۰. ۱	94.15	in the set				مال لول
	1 N	طان ۲۰۴	برج سر	غنبة ٢٤	Y	

141 141	داور 🔛	ما حب امتياز و مدير مسئول : داور				
	اران		قیمت اه ـــــــــــــــــــــــــــــــــــ		مربعه او مربعه او	
	ها می م	۱۰		م و سوم بادم	مقنعه دو 	
1	alat Lia	5 . 13	AVALLS ST AT	•	anangangan ang taon sa	

ما دواشت لومید ۲۲ سرطان دیروز نوشتیم. که با مطبوعات افکار و آحساسات غلط جامعه نعلی را لبيشود الملاح كرد أربيت دلا: ی هم که برا، این عقید. فاشتيعر كمترم 🛥 مام أراز همه أنها ه السدية معنيا المروم . **قطي و سنده ح**سابي بود .

المووز باز دره.ان موضوعه-بت ميكنيم - ممثله فوق ال ادماهديت دارد 🛶 بابد ان را درست الابن کرد تاشاند مردم سادولوج بك کهی از فبهجون بإيد وتجد ا شنا شنیده ابد که بلی از مرامل مور کرتی ملل اروز دیا،طبوعات 1 - i was 2 - initia ولي هيچ پر يد ايد مطبوعات الهوبا بيست به الم التامي اداره ميشو د- روز اله هاي مارتها سكن است بانها مقايسه كرد r. الم علم فرحات لا شتيد به ابن فلرها ينتيه حق هم باسا است ما - بيكار شيان فكر ندارد . یں جالا کہ خواہی نخواہی ما وقت شما را گرفته ایم بك دنینه در این باب نکر،، کنید .

وجهى ميشود براي خدمت به قر خیانتکاری زین و پر قشان کرد 😑 اين مطبو عات أبو ت ، ف مُصيبت ا**لىت .** (1976) . . . تمام اروا را زیر ورو کید ہے شهر های بزركوكوچكشرا بكرد بد-به ه ه قصباتش سر، : نید = اگر شما ابن شک و طبوعات آ م ديديد هر روز سبح 😑 يس از نماز وكمقيب سه دورد تسبيح با لمت بفر متيد . اكر برعكس ملتفت شديد معنى این لفظ در ممالك ازما بهتران خبست - جرايد اروپا را فكر. وقلمسباسيون بزدك – وزرای معروف – و كلای زبر دست 🗠 علمای محموب 🗕 نو بے نام های آماهر اداره می کند 🗕 وقتی ک دينديد إمثال ويوانكاره ووززولت » بيد از زياست جمهو ز ـ اولى در فرائمه و دويمي در إمريكا ـــ مقاله نويس و از طرفی لصدیق خواعبد کرد که با این فبهل ووزناج نوبىءا مطبوعك مشعق هله قدم اخترام است و ا و از طرف دیکر فورا فکرشوا ک عقل شما __ هر فدر هم خدای نکر ده دیمی و کم پنبه باشد بشما خواهشه کنتے : خوب - بس ابن • آزادی خو اهان ، ا ـ این روزنامه چی های بی سواد و چموش - این لعبت ها نبکه از بی لها قتى و أول كردى به روز نامه أنو يسى افتادر آند ـــ این ها جه میکویند ۲ الم علم و فضل مارا واهدما تي مي the state of the second se ا الد كدام مكتب او فاسا ع الباي امروز را شاخته المس راه حل متكلات اجتماعي را بلد شده اند -پېيچ و خــم سېامت هـای خادجــی را ديد اند ا اکر با هوش عـادی و فکر اربت نشده ملكن أست فهميد واه املاح كدام امت لحدد أبن مدولات حسب احتباج لوجسود أنها الت ا فكر وبغي وا خود ما هم داریم . م یلی ــ روز نامه نویس های ط ـ بإستثنای معدودی ــ علم و اطلاعی که برای ایناد لازم است ندارند . همه این را مبدانیم . هنا خبال می کنیم حرف های بك

الفر عامى المحض البنكه جآب شدمنزيهدا می کند از میشیم میکرد. می کند از میشیم میکرد از میکرد از میکرد. اخبال تمی کند که چاپ به هر. نسكر پلوجي عاق و منال مبدهسد ا

, 1, 1, , /

اول اصلاح اقتصاد سب

بی خرفهای خاب شده بك دسته جاهل قلاش را برای جه مبخرید ۲ از خواندن روز نامه أى كەمبدانېد مدرش سواد معمولي هم قدارد تا چه وسد بنه علم و هنر سباسی جه قاینده مَيْرَبُد أَن الْحَرَبَ الْحَرَبَ الْتَعْرَبُ الْمُ مکر یول را باید دور ریخت ؟ ، مكر وفت رأ بأبد ببهوده الف كرد ؟ خلاصه - بركرد بمباصل موضوع: افكاد عامه را بدَّسْت آيْنَ جداعت غوام نمبشو.د نازه کرد و نیببر داد . مادام که زوزنامه نوبی کب بی شوادو خوجي استخطبوعاتها جزخرابي و فباد هميج تبجه نبي ذهد . ما يتحد المراجع من **داور الم**

ميات درخارجه ا كنغوا نس لوزان .. ملغ طود که چش بینی کردشودنم و بر خلاف مندرجات آذانس های خارجه که می کفتند معاهده در اوال سوطان بامضاخواهد رسبد 🗕 نا کنون که ۲۲ برج است هنوز عهدنامه خانمه فبافه أست الأرائية المحال

ی کسندر افس ابلہ م خو ردہ ام ذماينده كان متفقين قسته جمعاز إطاق كنفرانس خارج شده أند 🕺 بك حركت نا كهاقه از طوف عنمانىها موجب اشتال وقطع كنفرانس شد _ ما و لجو د اینکه خود عصت یاشا جند روز قبل اظهار می داشت که صلح وإخالمه بإفنه فسودبابد كرده برای فهم عل این خرکت –از

با لقت بخوانيل

١٠٠٦ يُحجَّه الحرام ١٣٤٦، (٢ ٢ ٥) قوليه ٩٢٣ 🖗 این روز نامه بدون نقاضای کتبی برای کسی از سال نمپشود

داخله ۲۰۰ فران که فران ۳۰ فران

خارجه | ملاوه اجرت بست قبمت نك شما ره ۵ شاهی است

الم المتحصيراك :

يو ميسنىسە 🔬

الا منققه (

مُردمى كه عادت باعلان در جرابد دارند و قُتْن مى خُوامند جنس بخرند می دانند بکجا ها باید رجوع کنند. وقتى مى خواهند خانه نازه بكبرند مبدانند كعا ها بإيد رفت

يَ وَقَتْى مِي خَوَاهِنْهُ مُسْتَخْهُمْ بِبِدَا كَنْنَدْ مَعْطَلْ نُبْخُواهْنَهُ شَدْ و قتی مریض می شوند فورا آدرس جندین دکتر معسروف و ساعات پذیرائی آنها را مبتوانند بدانند

خلاصه ابرای الله، نکردن وقت و هزار قسم صرفه های لجار ای آزویا ای به إعلان معتاد است _ برای اینــکه مردم ما مم عادت به اعلان کـ: ۵ و زیاد اعلان يدهند ما آز ابن ناريخ قبمت أعلانات را بقدرى ارزان مى كسنبم كماعلان کردن من بغسد از کم خوج ارین کار ها است

مرور این قرار است : مفحه اول 🕴 مطرى 🕴 🔹 گران مهجه دوم و شوم اسطری مفجه چهارم اسطری اسطری از اسلامی از ا

ادلان

برای استجنار خاطر عموم مرضاه معترم اعسلام مبداده که همه دوزه (به استنای جمعه ها) از ساعت کمت صبح نا ظهر اغنباء و متوسطین و ازپنج نا حت بعد از ظهر. كما في السبق مرضاء فقبر و بني بضاعت بذيرا تي مي شو ته - بهراي دكتراساه المهالة تمره اعلان ۸۳

تذكر

يو زارت عد ليه 🖉 ه قانون قوقت راجع باشخاصی که مال غبر را انتقال می دهند و با ملک ... می کنند و منبازات انها یا هنوز از طرف وزارت عسلبه بمحاکم ابلاغ تشد. حجنا نکاما در و یاد داشت و ۳۲ جوزا نوشتهم این قانون یکی از ممهم ترین قُوا أَسَبِنَ دُوْرَهُ جِهَارُمُ اسْتَ كُهُ قُرُ أوضاع أقتصا دى مُعْلَكَ أثرات ما لَيْ مهمی خواهد کرد . با این حال طبعهی است منتظر باشبم هرچـــه زود تر وزارت عدلبه انرا بمحاكم ابلاغ بكند و بنوقع أجرا بكذاره

شاء لختی در کجا است؟ به نظوما دلبلو موجبابن قطع مذا كرات د سرحه ایران و دوس و تر این است که وابط روس و عنما نی چندان است ، ا خوب نبست ، روسبه ازعثما بي ناراضي است ، می کویند عنما نی مراکول زد --فر بب داد . من اسباب مو فقبت سباسی ارك ها را فراهم آوردم . همين كه آنها فآثق شدند وسه لنهائي رفتند واصلح A LAND AND A LAND A LAND A اكنون متفقين از روسبه دمسوت كرهم إند قرار داه راجع به بفاز ها را امضا کند . جَــواب روسه هنوز وامل نشده است • از طرف دیکر س حدات ما خیر داده اندکه در شاه المغنی بافرده عزار قدون روس شي كز پيدا كرده اند .



🖉 ازہمین جا استنباط کرنبد کراین پانزده هزار أظامی برای حفظ شرحه نېت _ برځه مامم دو آ نجار نمر کړ پېدا نگرده اند . این عده پیش قراول قشونی است که در سرحد، انی امر کرداد. اند . 🔬 این مسلمه و عدم حضور روسه در كنفرانس لرزان بشمامي فهما ندعتماني دو جارجہ اشکالاتی شدہ و بھم خوردن كنفرانس ازكجا وآب مبخورد

طرف لرك ها - بابد دو ممثله را لحت دقت قرار دامه: ۲ ـ روابط فرانسه و انکابس بعلن عدم موافقت در قضایای زوهر لبرمشده است بنا بهر ابن بابد منتخر رقابت این دو دوات در شرق نزدیک و مخصوصا عثماني بود . ۲ ــ مـ ثله منافع الروض عنمانی بَيِنْتُنْ مَرْبُوطٍ. بَهُ قُرا نَسَهُ إَشْتَ وَ دَرَ صَوَرَتَ ظاهر راجع به هدين هوضوع كنفرانس نهم خوردماست و آیامبتوان قبول کرد که علت بهم خوردن كنفرانس اين موضوع باشده علت بهم خوردن كنفرانس خبلى عميق قر از آ نست که قصور می کنېدو

منرىبە را، من چرخاند خېچ مار ف مقايسة بأنببه مداريم نيست خ . این ا ر قل که در کرچه و از ر طه ن من فروشند و الحلب زور و ای جمامتی وینر سنند 😑 این ورق هائی له المنتها د جه پرروتی در کلیهمسائل اظهار الخللاع ميكنند - ابتركس تر الملافية ساحت مقد سان حرقي زد فحش مبيا لد 🗕 همر بيچارمٿي راکه الموالات باما باج بدهدخاتن وجانىو دزد و ی شرف ،یلویند و ا معص

الأن مطبوعاتي كه شنيده ابددنياي

inter Y Panis

مرح از اه

"4. ار. ۹۷ معدمه

Som So امېر كېس ، د د د د د د د د د د د د د د د د () حون مدير ما در اقدامات مبته مجسمة أمبر كربر شخصا دخيل اودداند از طي في المثان المختلة التي از آقاى كمان الملك كم ساختين المحدمة وا قدل في مودَّم المؤديد المعمل آمد من عاد التبجه بالخلاع آ قايان قدر دانان مخديات المبر المحر وسدائكم الواسطة الضبيقات و فشارسها أي كم دار خالما الما الخبر بة مدرسة يا الم مستلزقة وارد آورده الودند كه الوجب دل سردى كار آسنان آن مدرسه يد . ابني لم تروع عنبة ساختن مجمعه المرد الد والى البك كه آن المنبقات الفهر شده الأاواخر برج اسد المستكراز شدت كرمي هوا كاسته مي شو دا مريس يروغ الم ساخين معجر، مه خواهند اتر مؤد و أو أو خرف الم جهار أما، العجام in the to fight much ذو إهد وسبد

> ا مرأى مدارس التدائي: -فالعما يو بو الاخاد احاد في معالات من ووز قدل خدر ، ورقود ٦ قامبر زا مَدِينُ خَانَ مُنْشُورً عَضَوَ خَبُوْ أَنْ هُبَمَّت أَعْزَامُهِ - كوت الشار ووعدة دادتة كادر تشجه ملاقيات أكثان قارتين خودرا ازجريان مذاكرات مطام سازيم مبا مدح ي المُنْكُ هَدَار ألبه از دادن اطلاعات استنكاف وااظهار كرده اند كه صورت حباسه هاوليهاما به وزارت خارجه فرستاده شده بو أن آ نجا كب أطلاع نما ند. المجاى قاسف باست كه باوجود داشتن ابن معادية رجليه ها وزارت جارجه ز مطلع بماختين عليم ايتقيدر اضاك و ه معاومت منی اس در استخمکم کرهو اسه (and e eyes - I wert; ye's and the and the المجاليد بالتا الع الا اطرف واستوزراء د **کل**مه دواگر دونتی نوشته شد که من بعد در دادی اعلامات به جراید ایمین نكىنىد ۋ موجب شكايات مىڭىران جرايدرا فراهم تتاور تدخعا موجع يوم ويعسي tak in the second in a line it كالمكروبة فالمج شتريا ومعبودا وشنجو داى طرف وزارتها ابه ناديه شد . محل برداخت

هوتوا به مود سه برم. در ترجعه ایجر سالی که خزانا داری ير داخت بودجه مدارش حاصل رده يود مدارش ذيل را براي فاجب وق کا یہ مدارس معین و مدارستی کم کو ا آنجا ها بايد بودخه خود را در يافت دارند امبين كرده و مه وزارت معارف ada Carrow (1885 mar 1 g - + + + فرستاده است: بر این در اسی . بر ای مدارس متوسطه: مر معرفة عامد م

المنرأب شهر : مدرسه بصبرت تَالَمُو كَانَ شَهْرًا : "مَدَرَسَهُ انْتَصَارَيْهُ 🖉 اليون الله ي للذية الحقوق " حقوق خمل وزارت معارف وارغض and is mark to be a still and حقوق تبرر را روز سه شنبه وجوزا وزيا ينجئنيه خواهند أرداخت م خون این حقوق متعلق ماعضای اداری ستازحقوق تنجو زامدخند القاغد حمل وتور اهم کر خواهند کرد م 🖉 - قدارندة كليا دكان أبموجب أراير لبكه از خوا أسار أسبده فتجعا ستخراج آداء خوا نساداذ ٢١٧٨ مستخرحه ٢٠٢٢ دائ باسم حاجي مترزا مَقُو بِمَحْو الْمُسَادِي بَوْ دَمْ وَ إِيشَانَ بِنَمَا يَبْدُهُ كَي تشخاب شدند 7 قاى معظم السلطان نبز ی وای داشته سے ۱۰۷ وای حقق آ راء متقرقه موده المت به الم عليه الم بالصادحين كت ورحمو الجعت المعادية الم بان قرار رايو رايكان قصر وسنده اللي ذو دستكاه طباره العلبتي كه س م تحجد مين وزارت مشارف اليزيروه ازام ، بود المطهران أبا بد دود. بستم سرطان زا بقداد حربکت نملوده به قمتن شبر بن آمده و پس از و بک ساعت کر دش مراحت خا نقين ا نمو ده الت الا شوارت الراكمة ا موجب ر پر ای که ازاستر آباد رسد. في عرا بي محامل هنت الهو الطـ هو ا مقداري اشباب مشوده از استر آباد نظرف قرم تشور هار فته أند نه فراشوار ان كمان أه، أهمار اهتان بو دددر دو فر سخي · قرأه عنوا حَمَالَ وَمُ يَتَحَدَّهُ أَسُوارُ أَنْ كَمَتَانَ در شمان شهر محمد مدرسة عامده الله المعرب مع المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب الم معرب شعر المعرب شرف مطفري المعرب ال المسار 7 فهما العبن يتر فله المطاقبان أرأ المستكابر

الجنوري شهر : د مدرسه السبنيه المه

ارا كمهم ال مقاومت تساور ده بطايفه نور على كه متعلق به آن هما است دفته غده کافی ازایل خود جمع آوری نموده جاددا باشرار حمله نموده نظامهان و التاتيهوا بدون تم و زياد ازاشرار مسترد ميذما بند بالمراجع الم

🗠 زد و خورد با اشراد. 👾 نموجب الحلاعي كه موزارت داخله رسمده یك عدہ از اشرار افغانی بحدود دربند آمده دو رمه کوسفند اها ای را منارت رَدْند بِسَ أَزْ وَصُولُ أَبْنُ خَمْرُ بَهُ إِدَارَهُ قشونای بك عده از قوای بنوخند وعده از نظامهان مامور سبستان اشوار آفغنه ا العقب با آنها اصادف نمو دود انتبجه هفتاً د راس از کر سفند های مزیوده را مسترد وأأمجدها مشغول أمقبت اشرارمي شند که بقبه را نبز از آشرار متردو سأحيا نش برسا ند 🖉 امر للكرافي روز کذشته از طرف ریات وزراء كرافا برالى أيالت خراسان أمر شد. دير روز انامه خراسان اراكه المغبد نمو دماند براى استرضاى خاطر اها أي عودت شهر دادهند بسمید جلو کمری از اجتماع آزطرف رئبس الوزراء ماداره نظميه شد با ابنکه مامورا بوای وسید کی ا يض شهر يار بها اغرام شقعه اشت حيثا نحيه " درجلو دربار اجتماع لموده با شت

فطعى هستبم آنجا أوقف أمايند آنها رامتفرق as R. C. C. S. M. L. 🐨 🐑 انتزل اقبعت مکوشت 🖉 د روز کذشته کمینونی درادار. كومتي در لخت وياست آقاي امبر اعتماد اون حکومت طهران ارای نزل قبمت وشت المكابل كرديد والال بیس از مدا کرات زیاد قرار شد کوشت را که شامةا حار کم دو قرآن سفروخته آلد دو عناسي النزل داده واز نرسېدن علبق و حقوق نا له دار ند ارار چارکی ہتت غیاسی بفروشند 🖉 الهويق حقوق مدنى الله اطماء اللوكات اطراف هران برای آخذ حقوق سنة ماضبه خود طهران بلا الملبف وسر مزدا نندو بدين السطه كمرضاء بلوك دأر سختي هستندخو ست الباءامؤر أؤجهي بابن قضبه نمودة زودنى خقوق معوقه آنهارا بيردارند

آب المبار و قني إحبار واحله الطف آباد - حاجي كاظم آفاى كنف اسلحه وفشنك اهر _ ديروزاز آب خواره نتنك مقدارى إنبلجه كتف ويقصبه سد آوردند سلطان محمد باقر خانيا جد يت مثغول لحقيقات است إز قراريكم مبكويند اسلخه زیادی پذیران شد. است انتخابات هنوز

شروع نشده.

معاينه خرابي

ار الالي مستشار الدوك الراي مشاهده

رامی و در آورد میزان خسارت و ازده

آلوميهل وارد ولدى لورود حوض سرخ

لته و از قراء منهدم نُقط خُوس شرخ

ملاحظه ودرشهرهم کو پامختصر کرد.ش

نمو دم المروز صبح بطرف مشهد حرك

العزية دارى ذراى اسلام 🐘

مام دكاكين خود وا يسته در الكراف

خانه جمع مشنول نه سبنه زدن و افربه

دارى براى مصيبت واردة باسلام ذراسهد

آقًا بأنَّ علمهاء نجف مبها شند و المام.

حَرْفُتِها نَ أَبِنَ اسْتَ كَهُ بِـهِ إَعَامِحْضَرِتَ

هما يو ني عريضه عرض كرده ومنتظر جواب

ازدياد متحصنين

فرسيدن جواب در زجمت هستند

الحويل داه شوسه

ر منجو ار 🗕 امروز هم قريب نجا

راء جرد ديروز شاهزاده ولبس

لبه قم با فاق رئيس شوسه براى الحويل

کوفتن واه نا زاه خود آمده ادارات

فط شوسه را لحويها دو الهر أنظام

برای او قبف املاك سیه الار آمروز آمده

الد وحايار خانسه خبلي بـي نظم است

ما فرين فوياد مي كنند اجراء هم إز

عريضه الكرافي

رشتخوار _ جمعنی از رعایای بالا

خواف از العديات شاهزادهسهام الممااك

جعفن قاميخان به المكرا فيخا نه آ مده متحصن

شده اند و عرايض خو دشان را للكرافا

بمقام ايا لت عرض نموده منتظر خواب

فو در عده متحصنه افزوده مواسطه

إشاهـرود ــــ أمروز أها لــن شهر

الريت کے روز ملح کا کرراین 🗧

على اصفر أف براي ديدن بدرش مج در .رشبه مشفول التحارث هستند بالطف آباد مده وضع بني آبي و سختي اهالي مهاجرين و كرماى الطف آباذرا درده بالغ الذو أهزار أو مان نقد دأدند كم أك آب المبار بزرك ساخته شود لااقل خهار ا، آب بدهد از ديروز هم شروغ به ساختن آباندار لموده آنذ

ورود و حرکت کی در اور ا · کناور ـ خطرت اقـدش والا کی ناهزاده عضد الساطنة دامت شوكته توريدي صرت اجل آقای حکم الدوله وزیر ا مارف و او قاف دوبهاعت به غروب از الم کنکاور بسمت کر مانشاہ جر کت کر دند ہ المتحان مدارس

شاهرود 🗕 مجلس امتحان درادأر. مأرف الحتاد بإست آقا مبرزا أبوا لحسن لَبْسَ دَرْ جَنْسَنَدْ رُونَ لِنْكَبِلْ شَا كَرْدَانَ ﴾ مدرسه دواتی و مدرسه نصر لبدرا امتحان ... المؤدة رؤساي دوا أو حكومت و إغبان بي آولباي أطفال خضور داشتند زخمت 🙀 ای ز نبس و معلمین قا بل نمجبد و اخسین ب است و از هندهم متغول امتحان مدرسه بدي دو اتی مسطام شده آند کی مقد ازامتحان بد جفن دادة شود أهالي هر زوزهمطالية جواب للكرافي راكه يخاكاي اعليتعطيوت قدس شهریاری قدو ده آفد در مؤضوع نبعبه آ قايان علماء فجف أجنبها ينع و إراك مكرافخانه در زجمت است

وروو حکومت 📲 قزوين - ديروز عص آقاي غباس قلى خان المبر اومان حكمران قروين وارد شدند از امروز صبح مشغول رسبد کی العورات خبازها وقصابها را أخصار و فرمو دنيد در اين موقيم نيايد نان و كوشت بابن قنبمت ها باشد كدمى فروشبد کوشت را چار کی بېت و شش نیاهی می فروختند صد دینار ادوان کودید ان سنکك والدريزي ته عماسي مبفروجتند قرار شد هذت عباسی بفروشند وازهمین قرار أعلَّان شد ديشت نصف شب حضرت ا والاشاهزادة عضد الملطنه و آقساية حكيم الدولة وارد و امرززميح يطرف. کرمانشاهان حرکت فرمودند با

> الله الد والاسته ما يلك الجبات (سالمناور قال آسانسور فرياد كثبه : حرف د . . . و با دست عف د کمه لوقف می کنت که آنرا بهدا کند والى بېدا نـكرده فَرْيَاد زد طبقه پنجو نكام دار ي من كه آسانسور بالين مي آمد ازنظر الانهما كالجميار المجمار الم از بد. كان بالبك كَنْ هَي رَفْتُندُ مَعْدُوم شَدَرْبُرا كَوْجَلُوْ كَاطَّاقْ نُوْ أَمْرُ ا ماكورسيد ند أو كرها انا له آرسن لو بن ژاشتا خند و ا مانتین میشوشی که جلوی دخیر. بود آسا دیو و را المهد الملكة آرسن أوين را بلنهد كرده و دو لاى بشان کم مستهای کانی مار وا که بواسطه سوعت حركتة فمي الفهمبد جه طور شده است نكاه داشتيد ا كانه مار حدقت ملتف باشبد كمر آرسن أويس را ببخود إينطور كتك نمي زننسد و مجروح نعى كمند عاقبت آن وخبم احت والى طناب اسانسور از شده مهلت بتمام کردن حرف او ادادند ابعد] از جند دوبقه کانی مار دم درب جباط بووی ا که آنهام و فنید ومين بو د

هوا بخر ت افنادكانىمار بواسطه سرع في في بله كان راكرفته بالا رفتند در طبقات مختلفه عمارت ا شديم وهمه فرار كردند م اطافها أى بكلى نشبه المم يافنند كم أز أفجا خبرى معلوم نمود بعد مجرای دیگری دیدند از انحا ، كذشتند و داخل حماط ديكر شدند و از انخا ستذشته، نگوخه بین کو سر در آور دند آ نوقت کا نی ما ملتفت شد کی اینجا دو خانه است کہ از زیر المُهمُ مَر بُوط مَبْدَاشندودو جَلُو خَانَ دَر دُور وَحَدَه الموازي بأهر بغاضله شبت متر دارا مشاشند منهج از انجا دوباره بعمارت اول آمده دراطاق نو کو ها داحل شده 🛁 کارت خود را نشان داد 🔄 ایشان جواب کفتند : ـــ دو نفر نو کراز ظمقه جهارتم وأينجم ودو نفر وفبقشان خالابتزون A State State ووفتند . الله کانی مار پرسېد : کے کی در طبقہ کچھاوم و پنجم مسکن دارد ۶ ایشان کفتند : _ جند نفر کی امروزاساب

آيتسي كرده اند فقط دونفر نو كرشان مانده نود الله کانی مار بخود کفت : ۔ آ، عجب کولی ا

الما كانى مار رسمد بدون معطى با آثرانها زاه 🛛 خورديم نمام دسته آرسن لوين اينجا بودندغانل حجيل دقيقه بعد ازين واقفه داغر آف درشکه نه ایستیا، داه آهن شمال زسیده و بایکنفر که بادو حمدانهای ایشان را همراه داشت بسمت شهر كاله عازم مودند المحمد المحمد ی یکی از ایشان باز های شکته خود را خکم استه و توار پېچ کرده نود واز رنګ پریده او. معلوم بَهْرُدكه سالم نَبْسَتْ إلما دومي خبلي خوشحال بنظر می آمد. این آخری کفت : زود باش و بلسن باهمين ماشين بأيد بروم من بخدا اين ده روز از یادم نہی رود . . ج جنکہای خونی کہ کردیم و بلدن : ـــ خبای عالی 👘

شراوك هلمس : ﴿ ـــــ فقط يكى دو شه جا بمانغ هاى سختى برخوردم ولى بالأخره يخمالات خود نائل شدم اوين الآن در اوقبت و الماس آبی در دست من است

و لمن كفت : _ منتهى بازوى مَن هم شكسته هممس كمفت : ـــ در چَنِين كَبَر و دار ها ابن شيخس آرسن اوين است ا

بك بازو هم شكت جه اهميتي دارد ويلمن كفت ؛ ت مغصوصا كم بازوى فن ا هلمس کفت ؟ _ بابد بخاطر بباورید ک مُعَانَ مُوقعي كَمَ أَنْ بِإِ دَنْتُ سَكَنْتُهُ ذُرَّ دُواجًا نُهُمُ · بودى مَن رشته أى زا كه سواسط، آن متصدد خود رسېدم پېدا کردم مېشانده اد . أو يلمن بكفت : _ غجب خوش اقما الى روى م کرد در این ضمن زنان زدنه میافرین خواشتند سُوار شوند شخصی که بار های هلمس زا داشتاز عقب فمي آمد ويلس ذنى السوانيت بواسطه دست شكسته خود فالا يبايد هلنس كنت زود باش به حه شده مکر بس است 👘 🐨 🐨 🐨 وبلس كفت المحديم فقط يك دشتمن

كار شي - كندا الم الله الي معني المشاخ بالجام الم الم الم الم الم الملس، بخنده كانت به از آدم بكدست همان او هستی و قِس و دُر این ضمن بار ها و آو آن 📲 آدم کرفته ینجاه سانتیم یول اوداد و لی درضمندی مى خوامت يول تدهد با لعجب هرجه الماعتر ديد

The first of America

7 3 19 40 168 init terter بور بن الم inter ar Y -

ازمامى، رسبد جرا در صفحه جهارم بورس پاریس و الهران رادرج میکنیم. فوابد آن حبت مستعمل فدلا بدانبد که یکی از او ی که روز نامسه بودیه باید دارا اساشد ارتبت که يقدر امکان اطلاعات اغمصده به خوانند، بدهد ، جريد، را طوتيات المحكمة في قو قد سبامي و اقتصادي انرات محقاله، خلق مي خواند ، هر طبقه از مردم بايد خبري كو به دردشان ملي خورد در آنبيدا کنند. اطلاءيات أوس محضو صوراقه و

الاجر است فالمجا اله المعا منه العلمة ماليه ب برای این دو. طبقه دانتن بودین قسوق العاده نفيد و بلكه لازم است زېرااز ژوي آن مي اواند رويه ومشي خود را در داد و ستدومع ملات معرين · يك "مثال ابن مسئله أرا براى شما روشن می کند. ناجری می خواهند صد هزار آمره (واحد بول أيطالبا) بدا بطا لما الدرستد - داخل ، با لكم مبتود. اباو ملى يكويند كي قيمت (لبو) شس الو مان است 📜 بعای صد ﴿ المهر ﴾ شش لومان ارزش دارد ، اكر اين الجبر مبزان مشادله (لبر) را در اندن و بهناريس بداند حمات خواهد كرد كه ـ زيد (لبر) در كجابرايش نامية تر دارد 🗕 در الهران با قران بخرد ديتر است ... " يا قران را تحمدل ما فرامك يا اجرم انظبهي بركودون وباديس يا بلدن (او) ایطا لیا را آرتباع کند. برای سهاستمداران به ی سانی که د منای سباست وله نمج فعمانه و درسهاست. مداخله داويد؛ به دسمه باز حب و ١٠ دريكان هایی که یا در ایران فراوان دا دیم. اطلاءات بورس وسبار سودمد است : از ملاحظه المسلكات و العبير المسور كم درقامة يول ال مملكات درقامة. اسهام متعلقة دباك مداكمن اللح حاصل مي مقايسة كردو فسياصطلاح لندمش منك را

هارا مَي زن^ر اوَ بن باز، ديد کان_{ي مار} خبري نعي ا

The second late have the for the اکر در خاطر داشته ساشد در نسرالی که نورس اند ن درج شد. الاحظه كردوايذ كه قيمت اسهام قرضه ۱۹۱۱ آبران سی در سداز قبهت اصلی اش كمتر است این بهترین وسیلسه است براى الدارم كرفتن المحطاط اقتصادى

" Sty W. annous adaman

در موقع بالاخطة بورس بايستنى همیچه این قاعده را در نظر داشت که خود را فورا در مبزان مادلات منتهر بختبد الز روى التي واغد، "الث كر من الوان أز الدبير أفيتمت بول بك مسلكتها وضاع الم شباشي و اقتدادي آذرا فهدد د الم فو الموش، فكشبط كم أو رسية أكد ما ب باین ا روز نامه درج منه کند کامل نېت و نقط قىرمت خ<u>داى</u>- جن ئى ستاز ايام

All is the dist . الورس حواله جات و الروات مختلفه المجار ہی نے کہندم نے بندہ ۔قند وشکر۔ وْسَدْهُمْ الله المُورا أَيْنَ أَبَّاكَ " أَعْرَ " بَاللَّهُ عَلَيْهُ إِلَيْهُ اللَّهُ عَلَيْهُ اللَّ المشتري بايد از بورس ممالك مهما مطلع باشد آل بتو آند فعا ملات خود را درجا أي بكمند كرقبمت بمال التجاره الجراى خريدن ادزان ار و برای فروحتن بیز کران از ا جاهای دیکر است . قبمت اجران — منلا ینبه — در اِسْ لَنَدْنَ وَ نَبُو بِوَكَ مَعَيْنَ مَبِدُو ذَخُو أَهُ این بند از هندوستان ماشد یا ایران مصر الجارا مرابكا و مما لكي كه ينبه راءمل الوردة أند ببمجوجه دخمل ذن لعمين قَبَمْتُ آن قَبْسَتْنَدُ ، فَنَا فَنَ أَنْ الْذَرَارِ عَ الْمَنْ أَزْدَارِ عَ الْمَنْ مَنْبَعُ كُرُ فَتَهُ لَمَا لَأَجْرُ فَ دَلَالَ وَأَمَامُ فِكَيْهِ مِ مطنة الماني بوارس أندن مطلع باشند ا ا بتوانند خريد و فروش خو د رابوطيقه . آن اطلاعات معين بكنند منتجين ا كنون به يردازيم با لوضبح اسامىۋار ۋام بورس الم الم الم محمد ا اول شدون حدت سجيج ببعدي فرس الإلايض والدر نظر بكبريد . الطور کای وقنی اسم با ی اخت الدود هي ازادند وضعبت إسباسي آن مملك، مملك، را خوانديد بايد يول راج آن وا مفهدنده بي يعني بين ما تتنا بي مد مملكت را بخاطرة ببلود به و وي و احد از میزآن میلاد لات که با به هز روز ایبول میلکنی ـ درحالت عادی صلح 🗧 ورض روز دامه درج بهی کنبہ نے ا قبمتش ز یاد باشید خود آن واحد مَيْ أوان قران رآبابول ساير مُنااله أرا ماخذ قرار مي دهند و زماني كدقيمت ا وآحد آن کر المذ کد واحد را نمبرآن دست آورد بالمحمد المحمد الم

خلاصه سبر در ایوریس پارتیس امی ـ : Jins . ، ۱۳۵ - ۷۹ فرانك لندن یدی واحد بول انکابس نے کابرہ باشد که در باریس استین هنتاه و نه فرآنك و بك مك و سي و بزج مانتهم

لهمين طور غرض از نبو برك : الله و ۱۳۸ مسر ۱۷ فرانك این است که قیمت دولار دریاریس ا هانده ازرانك و ایك اضد و اسی و هشت سا فتبح وده . . . ی میک از برای ا مقصود از آلمان یہ صد مبارك مَكْرَبِكَ حَسَصِدٍ فَرانِكَ مِكْوَنَ سويس کے ضد قرانك سويس، أبطالي فتشد (أبر) الطالي. السائي محد (بزه ١١) ي اساني است الجه المراجع المجالي المجالي المجالي المجالي المحالي المحالي المحالي المحالي المحالي المحالي المحالي المحال والما وإجنع به بقرض الهوان الند الحد ها از بورش باریس اقتماس شده الندن مكنو مي بي يرمع - ٧٤ قران يعنى جنانجه بك خواله كتبياز نك شاهنداهي بكريد كه بك لمره دن لمن أشما "بدهناشد بايد جهار أو مان و المفت قرانو دوعداسي ،دهيد ا البدن المكرافي : ٥٠ ملك ٧٠ قران منابعة ابن أست كم يك البوه وألحز ور الى كه فتخو الهند ، الكرافا حو اله الدن، كمنبد بأبد لحجار بأومان فرخض فزان وا ه شاهئ هد الهران به بانك شاهنشاهی

غرض از پاریس : ۲۲ قران این كه بك معدد قرائك فرا الم ورا الم وي در المران ۲۲ قرآن ارزش دارد م م. سويس : ١٩٤ قرآن يعني صد فرانك والمن الدر الموال او ودة الأمان و جدال قد ال فروشد والمعاجم المنتع المريه القرام الموسوك ! 20 منع ٢٠٠٠ قران الفذير ال لاد را. در الهربان به منطع زيك زلو يان ف ا شاهی الهروش الهبرسا اند م استیب ا روید، نمیڈی : ۳۱۹ قران ح المنايش أين أست كم صد رويبهدر ان سی و لک او مان و ، قر زنووخته شود . الم الم الم الم الم محمد كان كان كان الم الله الما عبادي موجود تبتت م يجلي المن ما الله مما الله من الما بند الما الله الله الله الله الله الله

اجبا رستفری مله خطبه للهبئت وزراء 👘 الم صبح روز کندهته آ فای نبس-الوزراء بدربار آمده مشغول مراجعة بامورات جا ری بودند کمد از ظهرین أقايان وزراء متدرجا حضور بهمرسا نبده آ قای وزیر. جنك نبن حضور بهترینا نبد ند لجلسه رسمي وزراء. منعقسد كرديد مساعت شش أمد أزا ظهر أمتشداد داشت محمد بالمشرية المسابق بمعاد

1 date VA

ا اورو د ال ای از قرار خبری که از برمانشاه بَنَّتْ وزراء رَسَبْدَهُ آقَايَانَ آقًا مَبْرَزًا صان أو آفا أمبرزا آبو طآل کې در مت ما و رین انکلیس همان بوده و قایان علمہاء "پس از ورود بایرین از آن ما آبي اط لاع و : کران دند روز شنبه خوارد ورمانیک خان د ند الم الم الم الم الم الم الم الم الم

نتبجه افدامات دوات لمرجد ازقرار اطلاءی که بما رسېدهاست صلن مذا كرأت أين قما بندكان دربار دو ات آ قا إن اعلماء اظهار " دمؤ دم آند كن است الما لك شوالطه "سير لَتْ بْالْتَكْلِيشْ هَا وَبِشْنُهُ أَنْ مَنِدًا يَدْهُو أَجْهَتْ لمحفث اشرف سنمها دنذم فترملته المنع م بع^تة فريق محاشنة ^مانا بعن ا ارای اسو به محساسیات سیارید. ابرای اسو به محساسیات سیالا. وأت أزطرف وزارت مألبه متحد المالا الم الله اللي كل المعالم المودي این این اس شد این مورت اس . ابات این امر شد این مورت اس ل بالبات و پر داختی و باقی مانبات بدهی يهمالار أا بقوريت معين أموده أمرك الحلاع دهند ف كلية محاصة تشبيت لا المحضو والبوراي الدريني محاسبة المعت مروز تمذشته آفاي خاجي اهين الفرت ربار آمده با آقای وزیر مالبه ملاقات وده و اظهار دی شند خاصرم محاسبات مَنْوُقُهُ حَوْدٌ وَإِنَّا ذَوْ آَتَ مُعْفُونَ كُلِّي تَهُو بِهُ -الما يمج مشروط أرأ أأنك المام استأدو قدا له حريدار الدارد داري ون (خريد) مقامل المجلت أملاك أيشان مح در فبالك الران شمط ا

الحكومت طهران + + A يسم إز قراد اطلاعات وإساله حكومت طهران ازطرف وزارت داخله به آقای توق السلطنة الكلبف شده و أشاق تأر مقابل بيشنها د نمو دماند كم حكو مت طهر أن المديل بنه المالت و العنمار إلى المزسمة بدأن ادەخود • سىمىنى مەرەپ مەرەپ مەرەپ مەرەپ مەرەپ مەرەپ

محتمل است وبشنهاد ابشان لمحوب در ظرف این هفتسه منغول, کا بر بد . بد .

د شار کې کې د

بالماستعفاي والى فارس . روز که شته در وزارت داخله ا_م ابو دکه امناعات پیش آ مدحر بق آداء و دخالت بعضی از متنفذین محای تری أاين قضبه شاهزاده صارم الدواله أى ايالت فارس للكرافا بمقام وياست زراء استعنا داده ردياقبول آن هنوز معلوما تتشت المراجع والمحاج والمحاجة از جنن در سفارت روس بغلم محسفات در سفارت روس بو اسطه وصدول شبار نامه وسميج بمايندة كي مختاره يتو شؤمبنا اسكمي ووز كممذيته شين مياعت مل از ظهر حجتن با شکوهی منعقه از T فاى ر الماج الوزراءة و" T قامان و دواغت جمعی از مدیران ادارات و محترمین دعوت ذمو ده بودند مجلس خشن ناساعت אין איר וניאנ (ן הגוונהובה: איי אי امروز عصر نبز در بنارت طهران و راردین پذیرانی بعمل خواهند. ارد) این بر این آن با میشا این ا المتخلاص محبوسين مورد كذشته ابتلت توسه القصر از ا اع خالو قرمان را که در امادت. ا لجمبه مدلى محبوس بودند حب الامر ولزارت جبلك آزاد فو تمتيختك مۇ د ند . اجتماع شەريارى ھا الم الود المست المعاد المالية ا علياي خدريان خطوته خان ار ك كرامنروش ، المؤده لهبه المهار وحالى ديده فصيد اقامت تمسور دند / آقای ر نبس الوزراغ

س از ورود و مشاجده وضع آن م متعمر شده إظهار داشتنه با وجود اغرام منش از طرف وزارت داخشا، برای ا المُعْمِق وَ آذادى آراء شما هـ آراين أن احْتما ع شما مي مورد الت الدا بشهرياد عوادت الوده منتظر تنبخة إقداماتدوات

، می میکر دسته، بد او رک میںخر، می بی تند کف بس ارىيىن لەپىن المزاخر فات مجلند دومرويه و آثرانها زاهغ صدا به را آز حا شاند کردند مَعْالُهُ الرابع بتراسن؛ الوابق دراه اله في راف مجادله با (شر لوك أس) شها بى الله بو كان ماد باكان ب : چرا، دمى آ أى ؟ رتاليف تورس ابلان المان الويان من من المان ؟ المان الويان من من المعاد المان المعاد المان المكلجان على ترويم ال all and the second of the seco 🛒 ارجمه؛ مح دعلیٰ ـــ کامل لبان 🗧 🗧 این د آمه بد ، نادیوار باز شو د کانی ماز ازوی The second of the second s حسن که مجماوی که دا شت و ش د ده ما ده و د. ا و يعن أو ين كان ; ج من ما نظمه كارى ندارم به د آمة آورد الفاقام كانما مر بن محراب تده و د ا کان، مار کنت : ـ عجب فرو ا ند آی ا

همه چېن مدلوم مېدو د بېچاره کانۍ مه با نعجاندي الحسا با کې عملاوات بندا به کې ک لدانست آرس الوين شوخى مبكنة بالعدارا الجرف المتعج كاني ماج كمث المعادية بالمعاد فرينا به مبتمو في

آوسن لهوين كيفت : -- كاني ما سفا نه مو نهمد كفت به خوب ملتات ثاش شو فر آثرون لان الحربا في در انتظار من تشديه خباي بي أرقبتني لازم مراحبر كرديمة آلان أبن أطاق در هوا. بلنة] أحت كه من أورا مضطرب و منتظر بكدارم

الطوري كه از وظبفه الفتهش الجاوز كرده است ا شده ديد هنوز نفس مي شد دو ففر آۋان يكي ب البهب و الحرف هم ديكر قمزن من المدين المالي إزاكر فنه ذر هو آ الملد كر ذنه م آدنتن الوبي كفت : - محال است من بالد بهلاقات لموغو دخو ذا بروم مسال كاني ار ، كانت المحدقة لأبكر كردفة الم المناسبة الم الم خرة اللت تعبكونيم بالله شو عقب عن البها الم كاني بمار ازين جواب اوين سخت در غض شد. اشاره ای کرد و مآشاره او دو نور آ ژ ان . لموين ذادر بازوهای خود کرفته بالد کردندو ای وديواد باز نشد در خدن هي ترسن آوين ممكنت هيري . بعد از ديوار پادكان است آنجا يك صدا اي ميشوى از سن اوين كت : ــــ من منه من مايندى آززير دو سوزن بزرك تريدن إيشان فرو رفت ا يكه رنبه فريادي كشبده اورا رها كردند زرا آزانههای در کر که این ظام را در خق

همار خود ديدند خود را بروى او انداختند و أو أزا مفصل كمتك مامتت أو الكد زدند و بك ضربة. قوى آيا شقيفه اش تخلود د او آرا بېهوش آرده بروی زمین آنداخت

ولی این حدی دارد آبدون ز معطای از عقب من استرش و یکی باهایش و خود او کمی آرسن لوین بَمَدَ أَزَ أَنْدَكَ زَمَانَى بَجَارَهُ أَلُو بِنَ بَحَالَ أَمْدَهُ بِنَهُ جَثْمان خود را کنودکانی مار باو کفت :خطوری آرسُن اوپن ای الأوْبِنُ كَانْتُ السَّمِيمَ أَنْ اللَّهُ بِلا أَيْنَ بِلا أَيْ اللَّهِ عَالَهُ اللَّهُ عَالَهُ اللّ كرده كافت : • فالمسمع با به ما مجار الم المحمد الم هرده محت . منه کانی مال . . با آسانسور مرا با این نبر. . . استخوانهای مرا این ها خواهند شکت کانی مار کفت : شر کوب فکری کر دور کر بله کمان هم خبلی انگ و باریک است پس او پن

را روی مند ای در مهان آخانسور کداشته کانی ار اشته مُمْ يَهْلُحُونَى أو نَشْبَتُهُ وَ بِإِنْرَابِهِهَا كَفْتُ : شَمَّا إِذَا بِهُمْ

به مر د. ا**ژاد** سال

لقميم أعانه أمريسها

اداره مالمدهمة زوزه حاضرارما باستحقاق

را پذیر فتاو هر کسرا بقدر استحقاق

المجست أومان ينج أومان نقد ويقب وا

وأقساط ازوجه مزبو والاديهو اعانت مبنما بد

الله الله و سار فت ال الله ال

الكمش السبه سلا ديروز يك نفر

كودستانى سوادكر را نزديك سلاخدو

فرسخي كمش لبه كشته و نعش را در

وودخانه كركان انداحته آند نعش رادر

الذواجه انفس بك افرسخي بأمش السبه

, كرفته إند الأغش را هم د. تبايان

يَبدا كرده اند اسباب و التاتيه مقنول و

تخمن قاال هنوز معلوم فبك ال

مسادف الماد قين الم

بازرکان بے انظا مبھای پیت در مو قم

کت و الفتېش حد د به عده اکراد

سارقين عثماني كه اموال قريسه عظيسم

کندی را غارت نمو ده و مېخو استنداز

خط مولاقماش المخاك عثما نسي عدور

كيتند مصادف شده غلتا يكندر از

قظامنان کرفتار می شود اول بنای ز دو

خوراد منكدار أف والي قمبتوا اند أ امي

توقتار شده و اقوال منزوق، را مسرد

ي الما بو الط، خبار

صبح على اكبر مجزوح كه با يكنفن

قراري مرانك قال عباسي شدة اندالان

عصر ۱۱ فوت شد و جنازه اش را ومد

از آوردن إو للكرافخانة المرحدفن شد

عجالتا معلوم ندده فالل واقعى عداس

می بوده و فراری هم نا حال بدست

المباهدة فقط عماس أنام باغدان بابكي أز

سارقين بجهة أذو أدانة أخبار وتتل شبذها ند

إهالي تراى واقعه لمعبد آقايان كماكان

متحصن و به الکر افات اطبام -نو دی

Iclos encait

الدامة ان 🖄 در العقب وأبرت قبل

بدارند فقط بك راس كاو آوردماند

ارد ازاد 🖗

male VP water

المخال ودمهاى مهمى بطرف إملاحات الريت است پر بروز اعصر در موقيع ار داشته بو ديم جي الله ا حرا بر ضد مستشاران امريكا أى غوغا انعتماد كمسهو ن جمع كنبرى إز مرد و زن اهماله، شهرو اطراف بشهر بسا و هبا هو براست شود ؟ همه دزدان اداری مبخواهند حالت پریشا نی آمده اظهمار می داشتند باز خواستي دروظا لف مرجوعه آنها موجود انظر الين كه زمستان فزديك است با ابن سأشدهمه إعضاء دوائر دولتي مبخو اهندبا حال پریشانی و بی خانمانی هسر بار ای ازی و سماست بانی ارقان کان اوجه عاجلی ندود باید از حبات الخود دستشمته مرك را استقبال نما أبم اكر بك شخدى بدا دو دو بخو اهد اصلاح و ارمبہ پریشان خالی خود را آجدراء وظبفه كمند و نقط فسانون را هرجه زود ار نقاضاً و با کمال عجز بشناسد و به سماست بافي اهميت فدهد و التجاح "در خواست می آمودند حد و حقوق دوات را از کردن کانتان رُوزُ ا**ستاد كم**تر لخراره! مريط أي ما عنسار بکمر د ورفاقت ودشمنی با کسی نداشته ينجهزار نومان اعانه الراي مصبت زدكان باشد و بالاخرم منل ماشين وظمنه مرجوعه و مستختین وارد و دو روز است قد

خو درا انجام دهد آیامنفو ر نخو آهد شد ؟ اطلاعات متعرفه صورت کل واردات مملکت آیران دُرْسَنَه المخافوي أبل ١٣٠٠ برطبق احصا أبه . او مان ادار دگل که رکات ذوع مال التحاره 11.910 مسوحات ينمة ا قندو تكر 🚞 12,791,000 ۰۰۹ر ۲۰۰ز ۳ مبخويبج ومهره جای کی ایک 7-149-4-بر نج ۰۰۰ ۸۸ د ۲ فمطو بنزين ٠٠٦ر٢٩٥ر ١ جوو حدو بات بكر ۸۷۲٫۲۰۰ طلاو نقره سرادی 👯 ۸۱۰٫۳۰۰ مأشين والفار 11124.4 14452... لحبو إ ذات ز قد م ٦رد ۰۰۲ ر۳۵۰ 000.... نېلور نك قر مز ۰۰۰ر ۲۰۰۰ وارجه های بشم خالص ... ار ۹۷ بارجه مای هیشمی و ٤٨٤ ٥٠٠ منهل 👘 .. ەر ٢٤٦ البيبة إزاهر قيتم 444. آلات اهني و يولادي وغير ۲۷۰ JT. • شمشهای بولاد و آهنیو +7. 30. 174 دواجات 👘 +19,4.. يوست. بره ۲۱۰ عد. ۲۱۰ ع المؤرو شبشه مندوحات ابريشمي و ٠٠٩٫٩٠٠ Y97, Y... مندوجات ابريده خالص ... ۳۰۰ ۲۷۱ كاعد معدو اي 107. 4.. چو ب المح معدر الم كره سنديد

141:9.0 ذوغال سنك 1.3. 4 11031 ..

فرش بشمى 🗧

سارو ج

الاتحرمي

کا او اچو 🔄

شمّع دان

ادو به جات

اج:اس،عطارى

مو أد شهمها أي

-: 5--

شبم

إحبارها رحه صلح اوزان اوزان 🛶 نما بندکان مهسم دول

مدت سه ساعت جلسه الشكبل دادمو اقرابها بدون حصول نتبجه از بكديكر جسدا شدند زبرا عصمت ياشا اصرار داشت كه بلافاصله بس از رجعت قمتون متفقين از اسلامدول سفاين آنها نبزاز آلاب هاى عنماناتی خارج شوند در طور ای که مُنفقين حاضر هُـ تند عنماني وا الحلمية المايند متروط بآينكه لا فوقع أصوبت و اجرای معاهده بناز ها دو عدد سفینه کروازردر آیهای عثمانی باقی با شد. وای احتمال مبرود که مذاکرات فردا تتبجه مطلوبه را ببخشدر .

4. 27

()

اللامبول _ شورای کمبو های عنمانی به عصمت باشا دسور دادماست که معاهدهٔ صاح را طوری که او اب داده شده است المضا المايد . و فردا أعلاميه در این خصوص برای استخصار مودم انتشار خواهد بافت . خبر صلح در س ا سُو عنما نی با نهایت خوشوقتی و رضابت للفى كردبده است المكراف واسل در اوزان جين مدمر است که ار بها از زنعقاد صلح خبلى خوشوقت هستند زبرا ببشازانجه كه اميدوار بود نددريا فت كرده اندوعتمده ، آیندکان دول و همچنین نمایندکان مؤسسات خصوصی این است که متفقین نسبت بعثما في فوق العادة اغماض و مداعدت كرده أند 👘 👘

این خبر نایبد شد، است در اعقب اشكالالى كددر شب ينجينيه الوسطانما ينده عَنَّمَا نَعْيُ وَاجْعُ بِالْمُبْبَازِ اتْ لَوْ لَبَدْ شَدْهُ بُود مذا كرات در. كنفرانين او زان قطع شد الدوات های خود اطلاع داده اند الندن — امروز كاببنسه انكلستان فذا كرالى آختم به غرامات تعمل آورده

عقيده أموده إند 🖉 مطبوعات فرانسه خبلي ازاحساسات دوستا نه که بوسیله ر نیس اللو زرای انکلیس شده است خبلي نقدير مي کنندجريده (ان) و جريده (ديا) راجع يمعضي قسمتها ازاظهار عقبده خود دارى نموده

کفته می شو د که نظیریه دولت انكلېس در موضوع غرامات وقتى معلوم خواهدشد که طرح جواب پېشنها دا لمان علني شود جريده (نان) در اين موضوع أظهار مي دارد : نمسام ابن مسئله مربوط به پېشنهادي است که بالمانداده می شود المرب المربع الم المربع الم المجريدة (آن لوان سيژان) بخود لبريك مي آويد كه دولت تريطا نيبا مجاهدت كرده است كه هبج مانع غبو قابل جبرانی ما بین فرانسه و انکلیس ايجاد نكند شيس مبنويسد 🖉 و فقط بسته است بانکاستان که قران داد هائی موافق با شاونات ما ولر لیدات فعلى يبشنهاد كند وآنوقت ماحاضريم از او حرف شنوانی کنیم 👘 (されい)となる الندن _ رو لو حنين اطلاع حاصل كرده اشت كمعحا فلرستنى محبت انقظاع روابط رايا فرانسه خبلي ما لرديد للقي می نسایند . و روز پنجشنبه در نتیجه نو سبحات هبئت دو ات. در آما المان نظر به انکلستان معلوم و روشن خواهشد شد . فرضا هما نكاستان خط مشى علبجدما فيخاذ نماید همیشه باب معاضدت و مشارکت ما فرانسهرا مفتوح خواهد كذاردوهن جند فرانسه دومرابه بمدون لمحصبل موافقت ساير دول المسدام أنفرادي أوده است انكاستان بإين عمل مدادرت نخواهد نمود 金(5) 蒋熙 امتذرقه طهران عدة أفراد نظامي ديرو ز داخل أداره روز نامه وطن شده آلات و فازومات را درهم شکسته نا بلو اداره راخورد كردند مدير زوز نامه واجراء ر امطروب و مجروح ساختنده سس مدیر روز نامه را دمر بضخانه دولتهم مردند. َعَلَّ مَبَادِرْتَ بِإِبْنَ اقْدَامَ أَزْ قُ**رِار**َ مُبْلُومَ مقاله لندى بود كه درعلبه وزير خنك

نو شنه شده بود ()) and the mer state of the second

محصور شنب أشرار وأسرار ارم ب شب کذشته جند انفر فزه وادد منزل بدرتس ويزندس باقديني) شده صاحب خانه وعيال إورا بوسبله كلرأرم بېهو ش کرده و قريب دو ملبون لېر) سرقت کردہ اند بک دست پرنس شکسته احت و پر نسس آهم سخت آتر بض آمباشد در کابه شهرها و بنادر سرحدی قواظب دسکمبری آنها هستند پاريس- جهلو پنجندرما حيمنصيان ايرانى كه بقرانسه براى لكميل ليصيلات نظامي اعزام شده اندبا شراب شاهزاده ایمان اللہ مبر زا کر ٹیس ارکاب خرب وسر ٹیک حبب الله خان مدير مدرسه نظامى طهران باريس رسيده اند [ب٠٠]

الندن _ دکتر استامر) سنبر آ امان مقهم المسلمان مساحبه مفصلي وا کرزن بعدل آمده و از قرار معسلوم كرزن ماو كفته الت كه آ اسان لمبد دست از ماعدت با اعما چون وکار کران سو کش تاخبه دوخو کو دن بو واده مالمله مقاومت منفى تبز در فحت مقا كونوك در آمد و وزیر امور خارجه انگلستان آنان را نوسيه به آدامي و خود دادى نمېو د 🔹 😳 👘 🖓 د کې in granding (1) 632 22 الاكسمانية غبر ارسمي اعتبسها بابت دو اندن إعلاميه وإجبو يه خالجه داون به اعتصابات منتشر تموده است وكار كران فردا شروع يكار خواهنه تبود

باريس _ معجلي ستاي فراةمه با کردویت ۲۸۰ وای در مقابل ۴ دای معاهدات بمعرى واشنكمتون و إقبانوس اطلس را صويب قمود

اندن _ مارك [امان به يك مليون . دويت و يحاء هزار مارك يك لبره و قرائك قرائسه به ٢٥ ٧٩ و قرائك ملزيك به فهر۹۷ وسيده است

باريس فر و ش خر يد. طمران فرانك ا قران : قران YA-790 اندن 🚽 EV-E. لندن مکتو بی 70–73 S-1+V--1-7 ، ويورك · المكرافي ٥٧-٢١ ٢٠ ٥٠-٧٤ · · · · / Juli 77-4 all and the يا رئيس تا الله 11-1. ىلۇيك 2 Hours in a sector dont in other Y91-198-سويش سو يس 👘 ايطالئ. نىو يو رام 122-0. اسانى r11-An and the second رو بېدېمېلى 🕾

مطمعه بق سمعود الشبه (۲)

و کرزن اپرت مذاکرانی کا خبر ایاسفرای فرانسه و، بلژيك و ايطالباً ندوده بود. لتديم داشت. محا ال رسمي در آن بإب بهمجوجه اظهماري ذمي كمنند ولي پېش ببنى مېشودكې كرزن و بالدوين قريبا نظر بدو ات آرا آبه، پار امان اشعار خو اهند نمود و حتى صحبت آن مبرود د.صور لي كم فرا نسه جو اب كمتبى بشَمُو الات انكلمتان ندهد ذولت اخبر بأنفراد اقدام نسايده بالدوين در مجلس مبعوثان اظهار داشت ممكن است روز ينجشنيه أدر اين موضوع ()) () صحبت أيند فرانسه و انگلیس حرائدنست باظهارات دوات الكلبس کردر پنجشنبه کذشته درمجاس میمو تان و در مجمع لردها خوانده شده بو داظهار

Y ... ; V ... مشروبات هرقمم المرتب 110.100 آهن ويولاد براي ساختمان ۲۰۰ ۱۸۳ 117:1.. 177. 4.. شوه جات خشك و نازه يبله إبريشم 🔬 السند . 174.2.. 100,9.. ادوات والات درشكم 144 14. : 1. . 177. 1... 1.9,7.. سبزي جات خشك و ااز ه 1.4.1.. 1.4.9.. 1.7.7. 1 9421.0 ۵۰٫۱۰۰ مسوحات علفى

رُشت ـــ هوا چند رُور است بــــه طوری کرم شدہ است کہ در رشت نظہر آن دیده نشد، بر ندها از شدت حرارت كرما الف مشوند آقايان علماء در الكرافخانه لنريف دارند جلاصيطبوعا فش واحله شفق سبرخ ۲۴ رطان رفته رفته نغمه مخالفت با مستشاران امريكائي در محبط جنايت آلود طهران طنبن إنداز كرديده است لعجبي ندارد عدم الباقت و قابلبت محبط ایران رای إجراء اصلاحات إساسي نقريبا شانزده یال است مشهود کر دید. ا کر ایران نشنهٔ اصلاحات بودومات أبدر و قبمت أملاحات را مبدانست ال